



Grammaticalization of Intensifiers in Persian language

Mohammadreza Tusi Nasrabadi 

Assistant Professor, Department of English Language Teaching, Farhangian University, Tehran, Iran. E-mail: mohammadrezatusi1@cfu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received 2024 August 7 Received in revised form 2024 September 5 Accepted 2024 November 9 Published online 10 July 2024</p> <p>Keywords: Adverb, Intensifier, Grammaticalization, Persian language, Grammar.</p>	<p>This study investigates the grammaticalization of intensifiers in the Persian language. The research employs a descriptive-analytical methodology, drawing on a corpus of fifty Persian-language websites from Iran. The primary objectives are to: a) identify the distinctive characteristics of Persian intensifiers; b) trace the process of grammaticalization of these intensifiers; c) determine the semantic sources that contribute to their development. The study seeks to answer the following research questions: What are the primary semantic sources of intensifiers in Persian? Do Persian intensifiers primarily enter the language through grammaticalization? What are the specific pathways of grammaticalization for these intensifiers? Preliminary findings suggest that Persian intensifiers often originate from lexical items related to “extent”, “greatness”, or “abundance”. However, a more in-depth analysis is necessary to fully understand the grammaticalization process and the various semantic sources involved. This research contributes to the broader field of linguistic inquiry by shedding light on the evolution of intensifiers in a specific language context. By examining the grammaticalization of intensifiers in Persian, we can gain valuable insights into the dynamic nature of language change and the interplay between lexical and grammatical structures.</p>

Cite this article: Tusi Nasrabadi, M., (2024), Grammaticalization of Intensifiers in Persian language. *Rhetoric and Grammar Studies*, 14 (25). 19-33. DOI: <https://doi.org/10.22091/jls.2024.11136.1622>



© The Author(s)

DOI: <https://doi.org/10.22091/jls.2024.11136.1622>

Publisher: University of Qom

بررسی دستوری‌شدگی قیود تشدید در زبان فارسی

محمدرضا طوسی نصرآبادی 

استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: mohammadrezatusil@cfu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: قید، تشدید، دستوری‌شدگی، زبان فارسی، دستور.</p>	<p>قید تشدید، جزئی زبانی است که با استفاده از آن درجه، شدت و یا مقدار عناصر دیگر زبانی مثل افعال، صفات و قیود مشخص می‌شود. دستوری‌شدگی نیز فرآیندی است که طی آن اجزای واژگانی به صورت امکانات دستوری درمی‌آیند و یا عناصر دستوری، دستوری‌تر می‌شوند. معمولاً مسیر دستوری‌شدگی اجزای دستوری مختلف تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد و منابع واژگانی اولیه آنها نیز متفاوت است. این امر در مورد قیود تشدید نیز صادق است. زبان‌شناسان بر اساس تحقیقات بر روی زبان‌های مختلف، منابع واژگانی معینی برای قیود تشدید مشخص کرده‌اند. هدف پژوهش حاضر توصیف مشخصه‌های ممیز، شناسایی و بررسی شیوه‌تکونین این نوع قیود از منظر دستوری‌شدگی در زبان فارسی است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و مبنای اصلی این تحقیق، پیکره‌ای است که از پنجاه تارنمای فارسی زبان کشور ایران تشکیل شده است. پژوهش حاضر در صدد است به این سؤال پاسخ دهد که منابع معنایی قیود تشدید در زبان فارسی چه منابعی هستند و آیا این قیود تشدید از رهگذر دستوری‌شدگی وارد زبان فارسی می‌شوند؟ در این تحقیق علاوه بر مشخص نمودن مسیر دستوری‌شدگی قیود تشدید به منابع واژگانی قیود تشدید فارسی توجه خاصی شده است. شواهد موجود مبین آن است که منابع اصلی واژگانی قیود تشدید در زبان فارسی ناظر بر مفاهیمی چون: «وسعت»، «بزرگی» و یا «فراوانی» (کمیت) هستند.</p>
<p>استناد: طوسی نصرآبادی، محمدرضا. (۱۴۰۳). «بررسی دستوری‌شدگی قیود تشدید در زبان فارسی». پژوهش‌های دستوری و بلاغی. دوره ۱۴. شماره ۲۵. صص: ۳۳-۱۹. https://doi.org/10.22091/jls.2024.11136.1622</p>	
 <p>© نویسنده‌گان. ناشر: دانشگاه قم</p>	

۱) مقدمه

در کاربرد زبان (اعم از گفتاری، نوشتاری و نیز زبان اشاره) به عناصری برمی‌خوریم که حضورشان تأثیری در دستوری یا غیردستوری شدن جملات ندارد، اما گویشوران با کاربرد این عناصر می‌توانند تأکید و تشدید مد نظر خود را (متناسب با موضوع و میزان تأکیدی که در نظر دارند) بهتر القا کنند. بدون حضور این عناصر، تنها در بیان اهمیت گفته‌گوینده و طبیعتاً درک این اهمیت از سوی شنونده اختلال ایجاد می‌شود. به جملات زیر توجه کنید:

الف. من بابت مشکلی که پیش آمده متأسفم.

ب. من بابت مشکلی که پیش آمده عمیقاً متأسفم.

جمله اول این متن فاقد قید تشدید^۱ است، اما جمله دوم دارای قید تشدید (عمیقاً) است که بیانگر اهمیت و تأکید گوینده بر موضوع مورد نظر است. این ابزار زبانی که در جمله دوم به کار رفته و ناظر بر تأکید بر بخشی از پیام است، قید تشدید نامیده می‌شود. این قیود دارای مشخصه‌های معنایی و ساختار درونی خاصی هستند که آنها را از سایر امکانات دستوری متمایز می‌سازد. در ادامه این مقاله ضمن تعریف قید تشدید، طبقه‌بندی‌های معنایی رایج قیود تشدید را به دست می‌دهیم. سپس با بررسی منابع واژگانی / معنایی قیود تشدید در زبان‌های جهان، به بررسی این منابع در زبان فارسی می‌پردازیم و شیوه دستوری‌شدگی^۲ این عناصر را در زبان فارسی مورد توجه قرار می‌دهیم.

دستورنویسان سنتی مثل شریعت (۱۳۷۰: ۲۹۹) قید را این‌گونه تعریف می‌کنند: «کلمه یا گروه کلمه‌ها یا جمله‌ای است که فعل یا صفت یا قید دیگر یا جمله‌ای را به چیزی از قبیل زمان، مکان، مقدار، حالت، کیفیت، تأکید و جز آن مقید می‌کند».

در تقسیم‌بندی معنایی قیود به طور سنتی قیده‌های مکان، زمان، حالت، کیفیت، مقدار، علت، تشبیه، ترتیب، نفی و جز آن از یکدیگر متمایز می‌شوند (همان: ۳۰۵-۳۰۲). قید تشدید که موضوع این تحقیق است، بسیار با «قید مقدار» در دیدگاه سنتی همپوشی دارد، گرچه برای بیان آن گاهی از «تشبیه» نیز استفاده می‌شود؛ مانند: مثل موش آب کشیده خیس شد، در حد تیم ملی باهوشه. اکثر زبان‌شناسان قید تشدید را امکانی دستوری می‌دانند که درجه^۳، میزان یا مقدار عنصر زبانی دیگر را از قبیل صفت، فعل یا قید مشخص می‌کند و از این رهگذر موجب باز نمودن میزان اهمیت آن می‌شود. این مشخص‌سازی یا تشدید به گونه‌ای فراتر از هنجار معمول است. قیود تشدید در دستوری یا نادستوری بودن جمله نقشی ندارند و در بسیاری از جمله‌ها می‌توان آن را حذف کرد (Stoffel, 1901: 15; Quirk et al, 1985: 235). Bolinger, 1972: 32; Lorenz, 2002: 145 قیود تشدید عمدتاً دارای نقش عاطفی^۴ هستند؛ یعنی گوینده-بنیاد هستند. همین نقش برجسته عاطفی این اجزاست که آنها را از سایر عناصر زبانی متمایز می‌سازد و موجب تجدید^۵ بی‌وقفه آنها با استفاده از صورت‌های جدید می‌شود (Hopper & Traugott, 2003: 122). منظور از تجدید، جایگزینی عنصر زبانی قدیمی با یک عنصر جدید با نقش تقریباً یکسان است. صورت جدید به دلیل نو بودن، دارای قدرت بیانی^۶ بیشتر است. به همین علت است که تمامی عناصری که نقش تأکیدی در زبان دارند مرتباً تجدید می‌شوند؛ مثلاً در زبان فارسی،

¹ Intensifier

² Grammaticalization

³ Degree

⁴ Emotional

⁵ Renewal

⁶ Expressivity

به جای قید تشدید «بسیار»، قیود تشدید دیگری نیز کاربرد یافته است که بعضی از آنها چون «اسیدی»، «در حد X» (مثل در حد تیم ملی، در حد بنز) بسیار جدید است:

- اسیدی دوستت دارم
 - دوستت دارم در حد بنز / وحشتناک دوستت دارم / دیوانه‌وار دوستت دارم
 - فرداش رفت پسره رو بد / مثل سگ / کتک زد.
- در مجموع این نوع قید همان قید تأکید است. اما تأکید در درجات و مفاهیم گسترده‌ای در جمله یا ترکیبات خود را نشان می‌دهد که یکی از آنها شدت است. بنابراین نام قید تشدید مناسب است. همان‌طور که از مثال‌های فوق نیز پیداست، در معنای قیود تشدید نوعی اغراق نیز قابل مشاهده است. بعضی از زبان‌شناسان مشخصه دیگر قیود تشدید را کاربردشان با مقولات مدرج / درجه‌پذیر^۷ می‌دانند (Paradis, 2008: 322). به نظر نگارنده، این امر در همه موارد صدق نمی‌کند و گرچه خود قیود تشدید مدرج هستند، ولی مثلاً در زبان فارسی در مقام توصیف‌گر برای موارد درجه‌ناپذیر (مثل مردن) هم به کار رفته‌اند:

- بدجور مرد.
 - مثل سگ مرد.
- البته باید توجه داشت که در موارد فوق بیشتر به فرآیندی که منجر به خود «مردن» شده، توجه شده است، تا خود «مردن».

در این بخش، با عنایت به مواردی که تا اینجا مطرح شد، مشخصه‌های اصلی قیود تشدید را به صورت زیر می‌توان خلاصه کرد:

- در دستوری / نادستوری بودن جمله نقشی ندارند.
 - توصیف‌گر صفت، فعل یا قید هستند.
 - ناظر بر درجه یا شدت هستند و نوعی اغراق معنایی در آنها قابل مشاهده است.
 - دارای نقش عاطفی هستند.
 - مرتباً تجدید می‌شوند.
- در این مقاله از همین ملاک‌ها برای شناسایی قیود تشدید استفاده شده است. پژوهش حاضر درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که منابع معنایی قیود تشدید در زبان فارسی چه منابعی هستند و آیا این قیود تشدید از رهگذر دستوری‌شدگی وارد زبان فارسی می‌شوند؟

۲) پیشینه پژوهشی

بحث در باب تاریخ و تکوین زبان و عناصر آن از اهمیت بالایی برخوردار است و مطالعاتی از این دست می‌تواند پژوهشگران دستور زبان فارسی و محققان تاریخ زبان فارسی را یاری نماید تا به ساز و کارهای تکامل و تکوین زبان دست یابند. نگارنده تا آنجا که اطلاع دارد تاکنون تحقیقی به صورت جامع به بحث دستوری‌شدگی قیود تشدید از منظر زبان‌شناسی تاریخی نپرداخته و به همین منظور مقاله حاضر سعی دارد به دستوری‌شدگی قیود تشدید و شیوه تکوین این

⁷ Gradable

قیود پردازد. در زمینه پژوهشگران ایرانی می‌توان به تحقیقات دستورنویسانی اشاره کرد که به صورت مختصر و در ورای پرداختن به مبحث قید به مطالعه قید تشدید نیز پرداخته‌اند؛ از آن جمله می‌توان به قریب و همکاران، خیام‌پور، صادقی و ارژنگ و شفایی اشاره کرد.

قریب و همکاران (۱۳۱۹: ۷۹) در کتاب دستور «پنج استاد» در بخشی که به قید اختصاص داده‌اند، اظهار می‌دارند قید کلمه‌ای است که مفهوم فعل یا صفت یا کلمه دیگر را به چیزی از قبیل زمان، مکان، حالت و چگونگی مقید می‌کند و از ارکان اصلی جمله است. آن‌ها در تقسیم‌بندی انواع قید در زبان فارسی به قید مقدار نیز اشاره کرده و بیش و کم و بسیار و اندک و پاک و بسی و فراوان را قید مقدار به شمار آورده‌اند.

خیام‌پور (۱۳۳۳: ۹۳) معتقد است قید کلمه‌ای است که برای مقید ساختن فعل یا شبه‌فعل یا قید وضع شده باشد و بر معنای آن‌ها چیزی از قبیل زمان و مکان و کم و کیف و دیگر اوصاف فعل بیفزاید. وی با تقسیم‌بندی انواع قید به لحاظ معنایی، یک نوعی از قیود حاضر در زبان فارسی را «قید کمیت» معرفی و تنها به ارائه مثال‌هایی چون بسیار و خیلی و بسی بسنده می‌کند. صادقی و ارژنگ (۱۳۵۷: ۹۰) در کتاب «دستور زبان فارسی» با توصیف قید به کلمه یا گروهی از کلمات که در جمله می‌آیند و وابسته فعل یا کل جمله هستند، به ذکر انواع فراوانی از قیود فارسی می‌پردازند که از جمله آن تقسیم‌بندی‌ها می‌توان به «قید مقدار» اشاره کرد که با ارائه شواهدی چون سخت، پاک، بسیار، خیلی، بسیار بسیار، خیلی خیلی، زیاد، آن قدر و این قدر معتقدند که قید مقدار، کمیت و مقدار را می‌رساند و وابسته فعل است و معمولاً بلافاصله قبل از فعل می‌آید.

شفایی (۱۳۶۳: ۱۲۵) در کتاب «مبانی علمی دستور زبان فارسی» از قید به عنوان ظرف یاد کرده و با دسته‌بندی ظروف کمیت و مقدار، خیلی را در زمره ظروف مختص و بسیار، زیاد و فراوان را ظروف مشترک نام می‌نهد. وی عقیده دارد، ظروف آخرین گروه از اجزای اصلی کلام هستند و از نظر وظیفه دستوری تشابه ویژه‌ای با صفات دارند و زمان و مکان و چگونگی، حالت، مقدار و... را نشان می‌دهند. شفایی گروه «ناهار نسبتاً خوب» را مثال آورده و عنوان می‌کند که ظروف برای بیان علامت دستوری صفت هم به کار می‌روند و عقیده دارد قید نسبتاً، چیزی جز ظرف نیست برای بیان درجه و مقدار خوبی نهار.

داوری و گیونشویلی (۱۳۹۲: ۴۹) معتقدند قیود تشدید را می‌توان به عنوان موردی از دستوری‌شدگی قلمداد نمود؛ چراکه در این جایگاه از معنای واژگانی خود تهی گشته و تنها نقش دستوری تأکید را بر عهده دارند. آن‌ها با ارائه مثال «بی‌نهایت» که بر مفهومی واژگانی در حوزه اعداد دلالت دارد، معتقدند که «بی‌نهایت» در همنشینی با صفات، دیگر حاوی معنای واژگانی نبوده و بلکه با کسب نقش دستوری، تنها بر موجودیت صفت تأکید می‌ورزد. در ادامه مقاله مذکور، نویسندگان با آوردن نمونه‌ای از کلمه بی‌نهایت در جمله «بی‌نهایت چه عددی است؟» معتقدند که بی‌نهایت در این مثال حامل معنای واژگانی است، اما در جمله «بی‌نهایت جفاکار است»، حامل نقش دستوری می‌گردد.

از دیگر سو پژوهشگران غیر ایرانی در این زمینه پژوهش‌های گسترده‌ای انجام داده‌اند؛ پارتینگتون^۸ (1982: 178) از تشدید به عنوان هدف گوینده برای کاربرد عبارات اغراق‌آمیز یاد می‌کند. به عبارت دیگر، گوینده با بیان تشدید به شنونده می‌گوید که چه بخشی از گفته‌اش واقعاً مورد تأکید وی است. اهمیت تشدید را وی در فرآیند ارتباطی آن می‌داند که به موجب آن، تشدید وسیله بیان تأکید، ستایش، ترغیب، توهین و تأثیرگذاری بر درک مخاطب از پیام است.

⁸ Partington

مطالعه در زمانی^۹ تشدید باید روشن سازد که گویندگان در گذشته از چه راهبردهایی برای رسیدن به این هدف بهره می‌بردند و پیشنهاد کند که این راهبردها چگونه به وجود آمده‌اند تا تشدید به سرانجام رسد.

مندزنا یا^{۱۰} (2003: 374) و (2012: 215) بیان می‌دارد که قیود تشدید همواره تحت تأثیر فرآیند دستوری‌شدگی بوده‌اند؛ چرا که معنای واژگانی خود را در طول زمان از دست داده و نقش دستوری کسب کرده‌اند. به خاطر نقش عاطفی که فرآیند تشدید برعهده دارد، قیود تشدید تمایل دارند تا به منظور برآورده ساختن تأثیرگذاری بیانی، با نمونه‌های جدید جایگزین شوند. به عبارت دیگر، قیود تشدید تمایل به فرآیند احیا دارند که از جمله خصوصیات حوزه‌هایی است که تحت تأثیر دستوری‌شدگی قرار گرفته‌اند.

تاگلیامونته^{۱۱} (2008: 363) معتقد است، از جمله دلایلی که مطالعه قید تشدید را به یک حوزه جالب توجه در زمینه تغییر زبانی مبدل کرده، می‌توان به چندگونگی، دارا بودن ظرفیت تغییر سریع و بازیابی صورت‌های مختلف اشاره کرد. این ویژگی‌ها در قیود تشدید به یک تجدید و بازسازی دائمی منجر می‌گردد که به موجب آن شکل قیود تشدید به طور مداوم با عبارات جدید و تازه ابداع شده جایگزین می‌شوند تا تأثیر تشدید عبارات و گفته‌ها را افزایش دهند. وی بیان می‌دارد که بازیابی و احیای قیود تشدید فرآیندی همگانی و مشترک از دستوری‌شدگی به نام واژگانی‌زدایی^{۱۲} (معنازدایی) است. تاگلیامونته در بخشی از مقاله با اتخاذ رویکردی تاریخی، به بررسی قیود تشدید So and Really, Pretty, Very و پرداخته و با ارائه شواهدی از هر کدام به این نتیجه رسیده که قیود مذکور دستوری شده‌اند.

۳) روش تحقیق

در انجام پژوهش حاضر، از پیکره‌ای که مشتمل بر ۵۰ تارنمای فارسی زبان کشور ایران و مصاحبه‌ها و برنامه‌های زنده تلویزیونی است، بهره گرفته شد. بعد از گزینش منابع پیکره، به استخراج قیود تشدید پرداختیم. ملاک شناسایی در تعیین قیود تشدید نیز همان مفهوم فراتر از هنجار بودن این کلمات و نقش‌هایی از قبیل افزایش قدرت بیانی و عاطفی، تأکید همراه اغراق بوده است. در این بررسی از پیکره تحقیق تعداد ۲۳۴۱ مورد قید تشدید استخراج شد که درصد وقوع و فراوانی این قیود، ملاک ما در بررسی و پیگیری دستوری‌شدگی این قیود شد.

۴) مبانی نظری

۴-۱) دستوری‌شدگی

شیوه تکوین اجزای دستوری، یکی از مباحث مهم در زبان‌شناسی است که مطالعات جدی در مورد آن تقریباً با آغاز قرن بیستم شروع شد. واژگان، نقطه آغاز تغییر و منبع امکانات دستوری است. شواهدی که از زبان‌های مختلف در دست است، نشان می‌دهد که این تغییرات از الگوهای معینی پیروی می‌کنند. بسامد وقوع کلمات و بافتی که در آن به کار می‌رود نیز در این تغییر نقش دارد.

دستوری‌شدگی اصطلاحی است که دانشمندی به نام آنتون میه^{۱۳} در سال ۱۹۱۲ آن را به کار برد و آن را نوعی

⁹ Diachronic

¹⁰ Mendez-Naya

¹¹ Tagliamonte

¹² Delexicalization

¹³ Millet

تغییر زبانی دانست که طی آن یک واحد واژگانی مستقل به تدریج خاصیت دستوری پیدا می‌کند (Wischer, 2006: 103). دستوری شدگی فرآیندی است که به موجب آن اجزای واژگانی^{۱۴} (قاموسی)، نقش دستوری کسب می‌کنند یا اجزایی که خود ویژگی‌های دستوری دارند، دستوری‌تر می‌شوند (Heine & Kuteva, 2008: 217). به عبارتی دیگر، واژگان، نقطه آغاز تغییر و منبع امکانات دستوری است. شواهدی که از زبان‌های مختلف در دست است، حاکی از آن است که این تغییرات از الگوهای معینی پیروی می‌کنند (رک. نغزگوی کهن، ۱۳۸۷: ۱۶۰). زبان‌شناسان معتقدند که همه امکانات دستوری در زبان از دو راه کلی «وام‌گیری از دیگر زبان‌ها» و «دستوری شدگی» وارد زبان می‌شوند. اصولاً با دستوری شدگی، خودمختاری^{۱۵} اجزای زبانی هم به لحاظ صوری و هم معنایی کاهش می‌یابد. این تغییر اجزای زبانی در طی فرآیند دستوری شدگی در مسیر خاصی به وقوع می‌پیوندد که این مسیر را می‌توان با نموداری به نام نمودار مرحله‌ای دستوری شدگی^{۱۶} نشان داد (Hopper & Traugott, 2003: 7):

جزء واژگانی آزاد ← کلمه نقشی ← واژه‌بست ← وند تصریفی

مثلاً فعل «داشتن» در اصل به معنای «مالک بودن» جزء واژگانی آزاد بوده است. این فعل با دستوری شدگی به صورت فعل معین (کلمه نقشی) درآمده و بیانگر نمود ناقص است: ۱. او دارد درس می‌خواند (رک. نغزگوی کهن، ۱۳۹۰: ۶۵۰).

حال به ذکر نکات مهمی از قول ویشر (2006: 13) درباره نمودار مرحله‌ای دستوری شدگی می‌پردازیم:

۱. در این نمودار، تغییر از واحد واژگانی آزاد شروع می‌شود و به صفر پایان می‌یابد. بسیاری از زبان‌شناسان معتقدند این تغییر، یک‌جهتی^{۱۷} و برگشت‌ناپذیر است. علت این برگشت‌ناپذیری، اقتصاد زبانی یا ساده‌گرایی نیست، بلکه نشئت یافته از تأثیرپذیری‌ها و تأثیرگذاری‌های ناخودآگاه گویشوران آن زبان است.
۲. این امکان وجود دارد که تغییر زبانی در هر مرحله‌ای متوقف شود و به مرحله آخر نرسد.
۳. با توجه به روند تغییر در زبان‌های مختلف، تمایل زبان به تغییر در مراحل مختلف نمودار، متفاوت است. ممکن است یک زبان مرحله کلمه نقشی را به دیگر مراحل ترجیح دهد. در این صورت این زبان میل به تحلیلی‌تر شدن دارد. اگر در برخی زبان‌ها روند تغییر ادامه یابد، در آن‌ها تبدیل واحدهای زبانی به وند تصریفی بیشتر مشاهده می‌شود؛ بدین ترتیب زبان مذکور میل به ترکیبی شدن دارد.

۴-۲) طبقه‌بندی معنایی قیود تشدید

اکثر مطالعاتی که در مورد قیود تشدید صورت گرفته به توصیف و طبقه‌بندی معنایی آن‌ها اختصاص دارد (رک. Quirk, 1985: 235). مثلاً استوفل (1901: 15) که از جمله پیشگامان مطالعات در این زمینه است، قائل بر تمایز معنایی میان تشدیدگر^{۱۸} و تخفیف‌گر^{۱۹} است. از نظر وی، تشدیدگرها ناظر بر درجه بالا و تخفیف‌گرها نشانه درجه پایین صفات مربوطه هستند؛ مثلاً در دو عبارت «بی‌نهایت خوب» و «نسبتاً خوب» قبل از صفت به ترتیب تشدیدگر و تخفیف‌گر به کار

¹⁴ Lexical

¹⁵ Autonomy

¹⁶ Cline of grammaticality

¹⁷ Unidirectional

¹⁸ Intensive

¹⁹ Downtoner

رفته است. بعدها بیشتر محققان مثل فرایز^{۲۰} (1945: 127) و تاگلیامونته (2008: 370) از همین تقسیم‌بندی پیروی کردند، گرچه بعضی دیگر از زبان‌شناسان تقسیم‌بندی‌های مفصل‌تری برای این قیود به دست داده‌اند، مثلاً بولینجر (1972: 30) قیود درجه‌ای^{۲۱} یا همان توصیف‌گرهای صفات را برحسب مقدار درجه‌ای که نشان می‌دهند در چهار دسته جای می‌دهد:

- بالابرنده^{۲۲}: به بالاترین میزان یا درجه مقولات اشاره دارد؛ مانند: «کاملاً» در «خانه کاملاً تخریب شد».
- میانه‌ای^{۲۳}: برای بیان میزان حد وسط (نه زیاد و نه کم) به کار می‌رود؛ مانند: «نسبتاً» در «نسبتاً قوی».
- کاهنده^{۲۴}: ناظر بر پایین بودن شدت یا میزان مقوله مورد نظر است؛ مانند: «به زور» در «به زور می‌شد آن را دید».
- کمینه‌کننده^{۲۵}: که پایین‌ترین میزان یا حد از مقوله مورد نظر اشاره دارد؛ مانند: «کمترین» در «کمترین تلاش را کرد».

تقسیم‌بندی‌های معنایی دیگر، مانند تقسیم‌بندی کویرک و همکاران (1985: 445) حتی از این نیز مفصل‌تر است (رک. Wittouck, 2010: 2). این اختلاف‌های عمده در تقسیم‌بندی قیود تشدید در اکثر قریب به اتفاق موارد ناظر بر نبود ملاک‌های عینی و محک‌های مناسب برای این تقسیم‌بندی‌هاست؛ به طوری که به صرف توضیحات مختصر نمی‌توان تشدیدگرهای مختلف را به لحاظ بینابانی در دسته‌های متمایزی قرار داد و معمولاً تقسیم‌بندی‌ها بیشتر زبان-ویژه^{۲۶} است. به همین علت در این تحقیق به طور کل از تقسیم‌بندی معنایی تشدیدگرهای فارسی صرف نظر شده است.

۳-۴ ساخت درونی قیود تشدید

لورنز (2002: 144) معتقد است قیود تشدید مجموعه ناهمگنی هستند که متشکل از دو دسته عناصر بسته و عناصر باز می‌باشند. وی آنجا برای ذکر مثال از قیود تشدید *well, very* و ... برای طبقه بسته و *fairly, highly* و ... برای طبقه باز یاد می‌کند و معتقد است ما در زبان انگلیسی شاهد ایجاد نوآوری در زمینه تولید قیود تشدید با *ly* هستیم. در زبان فارسی در طبقه بسته، قیود تشدید چون خیلی و بسیار قرار می‌گیرند، حال آنکه در طبقه باز ما شاهد ایجاد نوآوری‌هایی در زبان هستیم و می‌توان تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای ارائه داد. برای بیان مفهوم دستوری تشدید در زبان فارسی هم از ساخت‌های کلمات منفرد و هم از ساخت‌های نحوی خاصی استفاده شده است. کلمات منفرد نیز گاهی بسیط و گاهی غیربسیط هستند. این تنوع ساختی ناظر بر تأکیدی است که قرار است این امکانات دستوری القا کنند. در بحث تجزیه و تحلیل داده‌ها ساخت درونی قیود تشدید را به دقت مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۴-۴ منابع قیود تشدید

منظور از منبع، منشأ واژگانی اولیه قیود تشدید است. یکی از متقدم‌ترین و جامع‌ترین تقسیم‌بندی منابع قیود تشدید را اسپیتزبارت^{۲۷} به دست داده است (رک. Poonlarp & Luksaneeyanawin, 2011: 10). اسپیتزبارت (1965: 335) در این راستا، حوزه‌های معنایی قیود تشدید را در دو دسته کلی جای می‌دهد: عینی-مدرج غالب^{۲۸} و حوزه‌های ذهنی-احساسی^{۲۹}.

²⁰ Fries

²¹ Degree Adverbs

²² Booster

²³ Compromiser

²⁴ Diminisher

²⁵ Minimizer

²⁶ Language-specific

²⁷ Spitzbardt

²⁸ (Predominantly objective-gradational

²⁹ (Subjective-emotiond spheres)

دسته اول برای اشاره به انواع معانی بُعدی^{۳۰} از قبیل عبارات اندازه، بزرگی و مقدار^{۳۱}، کمیت، فراوانی، تمامیت^{۳۲} و کمال^{۳۳} می‌شود. در حالی که دسته دوم، شامل حالات و وضعیت‌های روانشناختی از قبیل حالت و احساسات فردی^{۳۴} است. دسته دوم به نوبه خود به دو دسته ارزشی مثبت و منفی تقسیم می‌شود. در ادامه به جدولی که گروه‌بندی‌های معنایی و مفاهیم منابع قیود تشدید هستند با نمونه‌ای از زبان انگلیسی آورده شده:

گروه اول	تمامیت، کمال، اطلاق کامل (completely)
گروه دوم	وسعت (Extension)، بزرگی (گندگی)، فراوانی (abysmally)
گروه سوم	ویژه بودن، حیرت، بی‌همتایی (غیرقابل قیاس بودن) (Matchlessness)، (fabulously)
گروه چهارم	تاکید (Emphasis)، تصمیم‌گیری (Decision)، (stormily)
گروه پنجم	درستی (Correctness)، واقعیت (Reality)، وضوح (Clearness)، (spotlessly)
گروه ششم	بسندگی (Adequacy)، سادگی (Plainness)، همواری (Smoothness)، (authentically)

تمام این شش گروه مذکور به مقوله عینی - مدرج غالب متعلق هستند. بقیه گروه‌ها متعلق به حوزه ذهنی - احساسی غالب هستند (این چند حوزه معنایی به حوزه معنایی مثبت شباهت زیادی دارند):

گروه هفتم	جذابیت (Fascination)، سحر آمیزی (Magic)، شگفت‌انگیزی (Wonder fullness) (fascinatingly)
گروه هشتم	شکوه و عظمت (Magnificence)، درخشندگی (Brightness)، زیبایی (Beauty)، (angelically)
گروه نهم	صمیمیت (Cordiality)، گرمی (Warmness)، همدلی (Sympathy)، (ferverently)
گروه دهم	اشتیاق (Keeness)، دلبری (Courage)، جسارت (Boldness)، (ardently)

گروه یازدهم

اسپیتزبارت در اشاره به حوزه‌های معنایی منفی و مثبت، به یک حوزه‌ای نیز اشاره می‌کند که به گفته وی، در آستانه و مرز حوزه منفی و مثبت است و آن را گروه عاطفه (Heart)، تندی (Pungency)، تندی (صدای) (Shrillness) نام می‌نهد (Deafeningly).

سرانجام، اسپیتزبارت، به چند حوزه برجسته معنایی منفی یا تحقیر آمیزی (Pejorative) نیز اشاره می‌کند.

گروه دوازدهم	بدی (شرارت) (Badness)، ناخشنودی (Unpleasantness)، ناامیدی (Hopelessness)، (deplorably)
گروه سیزدهم	پوچی (Absurdity)، دیوانگی (Rage)، (deliriously)
گروه چهاردهم	ترسناک (Frightfulness)، خشونت (Aggressiveness)، دردناک (Painfulness)، (dismally)
گروه پانزدهم	ستمکاری (Cruelty)، وحشیگری (Cruelty)، مهلکی (Brutality)، (inhumanly)
گروه شانزدهم	دشنام (Deadliness)، فحاشی (Curses)، دشوازه‌ها (Abusiveness)، (bleeding)

در این مقاله ضمن پیروی از تقسیم‌بندی فوق در بررسی منابع قیود تشدید، به بررسی میزان انطباق منابع قیود تشدید زبان فارسی با جدول نیز خواهیم پرداخت. بعد از بررسی پیکره مورد نظر تعداد ۲۳۴۱ قید تشدید از متون استخراج گردید و با استفاده از نرم‌افزار اکسل، فراوانی و درصد وقوع هر یک از قیود بررسی شد. این قیود در نمودار زیر و بر اساس درصد وقوع فهرست شده‌اند:

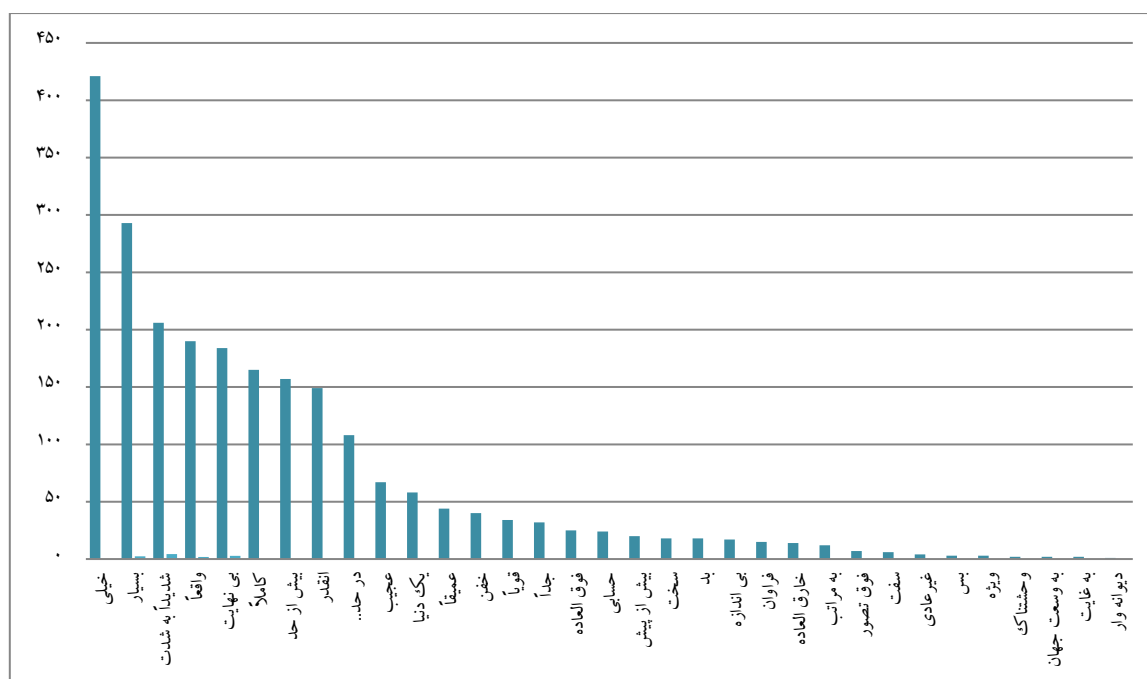
³⁰ Dimensional

³¹ Magnitude

³² Totality

³³ Perfection

³⁴ Mood-individual feeling



نمودار ۱. فهرست قیود تشدید و فراوانی و درصد کاربرد

۴-۵) تقسیم بندی قیود تشدید فارسی بر اساس ساخت درونی

در این مقاله بر اساس ساخت درونی، این قیود را به سه دسته قیود ساختارهای منصوب عربی، ساختار نحوی الگوی (frame) در حد x و ساختار واژگانی تقسیم کرده‌ایم. در حوزه ساختار واژگانی هم می‌توان به تقسیم‌بندی سه‌گانه صرفی ساده، مرکب و پیشوندی دست یافت. قیود تشدید ساده دارای ساخت درونی نیستند. قیود تشدید مرکب از دو یا چند کلمه تشکیل شده‌اند و جایگاه آنها معمولاً در آغاز جمله و یا پیش از فعل جمله است. قیود تشدید پیشوندی هم از یک پیشوند یا حرف اضافه و یک کلمه دیگر تشکیل می‌شوند. در سه جمله زیر به ترتیب قیود تشدید ساده، مرکب و پیشوندی آمده است:

- این ریاضی هم بد سخته‌ها.

- یک دنیا از محبت شما ممنونم.

- بی نهایت آدم جفاکاری است.

در ادامه، فهرست تعدادی از قیود تشدید زبان فارسی را آورده‌ایم. این فهرست بر اساس پیکره تحقیق حاضر است. همچنین ذکر این نکته ضروری است که فهرست زیر نمی‌تواند قطعی باشد، چرا که همانگونه که اشاره شد، این قیود به دلیل نقش عاطفی و تأکیدی که در زبان دارند بیشتر تمایل به احیا دارند و ما بر حسب بافت و نیاز به اقتناع قدرت بیانی شاهد افزایش این قیود هستیم.

۱-۴-۵) ساختارهای منصوب عربی

ساختارهای منصوب عربی که در زبان فارسی در نقش تشدیدگری به کار می‌روند، عبارتند از: شدیداً، واقعاً، کاملاً، قویاً، عمیقاً، حقیقتاً، جدماً، عمراً. به لحاظ توزیع، این قیود معمولاً در آغاز جمله یا قبل از فعل اصلی جمله و در توصیف صفات یا قیود دیگر قبل از این عناصر قرار می‌گیرند؛ مانند:

- شدیداً به نفت وابسته هستیم.

- واقعاً سختی کشیدم.

- بنده این خبر رو قویاً تکذیب می کنم.
- به استقلال دانشگاه‌ها عمیقاً معتقدیم.

۴-۵-۲) ساختار نحوی الگوی در حد x

این ساختار نحوی را می توان در مواردی همانند: در حد بنز، در حد مرگ، در حد لالیگا، در حد جام جهانی، در حد ۲۰، در حد انرژی هسته‌ای، در حد المپیک، در حد انفجار، در حد تیم ملی، در حد یک انشای دبستانی، در حد لیگ محلات و... مشاهده کرد:

- یارو چاقو خورده، در حد بنز داره ازش خون میره.
- یه بلاگ داریم خنده دار در حد لالیگا.
- دیروز رفته بودیم سینما در حد انفجار کیف کردیم.
- دوست دارم در حد انرژی هسته‌ای.

در این زمینه چنین می نماید که در زبان فارسی، گویندگان یک الگوی قید تشدیدساز زایا در راستای تشدیدگری در اختیار دارند (در حد x) که بر اساس تجربیات خود و تجربیات جهان پیرامون و همچنین بسته به حوزه‌های مختلف معنایی (حوزه معنایی بافت ورزشی، علمی و...) با توجه به ارزش گذاری‌هایی که از سوی گویشوران وجود دارد، دست به قضاوت زده و از این قیود در زمینه تشدید یا تخفیف‌گری بهره می‌برند. برای نمونه می توان به نمونه (در حد المپیک / لالیگا / بوندس لیگا / تیم ملی / لیگ محلات و...) اشاره کرد که مربوط به کلمات حوزه‌های معنایی بافت ورزشی هستند و نوعی ارزش گذاری مثبت و منفی (بالا و پایین) در این حوزه کلمات وجود دارد؛ به گونه‌ای که در مثال زیر به ترتیب شاهد تشدیدگری و تخفیف‌گری هستیم:

- داداشم یه ماشین گرفته در حد لالیگا (توصیف فعل گرفتن).

- دانش اقتصادی کشور ما در حد لیگ محلات است (توصیف دانش اقتصادی).

نکته‌ای که در اینجا به نظر می‌رسد، این است که این کلمات و قیود برای اولین بار در بافت خاص (مثلاً ورزشی) به کار می‌رفته‌اند که با افزایش بسامد وقوع و بی‌نشان شدن کاربرد این قیود ما شاهد کاربرد این در بافتی غیر از بافت مورد نظر هستیم. به گونه‌ای که در مثال «دانش اقتصادی کشور ما در حد لیگ محلات است» نشان داده شد، برای توصیف علم اقتصاد از قید «در حد لیگ محلات» بهره برده شد.

۴-۵-۳) ساختار واژگانی

در پیکره مورد مطالعه نگارنده، نمونه‌های زیر به عنوان قید تشدید با ساختار واژگانی دسته‌بندی شده‌اند:

الف) پیشوندی: (حرف اضافه/ پیشوند) + اسم/ صفت؛ مانند: بی‌نهایت، به شدت، به غایت، فوق تصور، فوق العاده، بی‌اندازه، به مراتب، فوق رویایی، به قوت، به شکل (طور) چشمگیر، به وسعت جهان و ...	ساختار واژگانی
ب) مرکب؛ مانند: یک عالمه، یک دنیا، دیادنیا، صدپارچه، خارق العاده، صد در صد، آنقدر ...	
ج) ساده؛ مانند: شدید، سخت، بد، بس، توپ، فراوان، عجیب، سفت، ویژه، خفن، حسابی، و ...	

- تو هم به شدت اسیر توهمات شدی ها.
- دنیا دنیا از محبت شما ممنونم.
- تورم در شش ماه گذشته فوق العاده افزایش داشته.

– من روی تو حساب باز کردم ویژه.

در مجموع باید گفت روش‌های مختلفی برای تقویت گفتار وجود دارد. قیود تشدید ابزارهای قدرتمندی هستند که کمک می‌کنند تا افکار و احساسات با دقت و ظرافت بیشتری بیان شوند. شناخت منابع معنایی این قیده‌ها کمک می‌کند تا از آن‌ها به بهترین نحو استفاده گردد. این فرآیند، معانی نگرشی و احساسی را از طرف گوینده منتقل می‌کند. قیود تشدید معمولاً با داشتن معنایی شروع می‌شوند که به تدریج پس از مدتی استفاده از بین می‌روند. از داده‌ها، مشخص است که این قیود در زبان فارسی نشئت یافته از چندین حوزه معنایی است. در ادامه، به منابع معنایی این قیود در زبان فارسی بر اساس پیکره تحقیق حاضر اشاره می‌شود:

جدول ۱. منابع قیود تشدید در زبان فارسی

گروه اول	کاملاً، صد در صد، به نهایت، فراوان
گروه دوم	عمیقاً، بی‌نهایت، بی‌اندازه، به عالمه، دنیادنیایا، به دنیا، زیاد از حد، بیش از حد، بیش از اندازه، به وسعت دنیا (جهان) خیلی، توپ
گروه سوم	ویژه، عجیب، افسانه‌وار، فوق‌العاده، فوق‌تصور، غیرعادی، خاص
گروه چهارم	موکداً، جداً
گروه پنجم	واقعاً، حقیقتاً، حقاً، اساسی
گروه ششم	---

شش گروه فوق مربوط به مقوله عینی مدرج غالب بودند.

گروه هفتم	شگفت‌انگیز، دیوانه‌وار
گروه هشتم	قویاً، محکم
گروه نهم	با حرارت، گرم
گروه دهم	---
گروه یازدهم	شدیداً، به شدت، شدید، سفت
گروه دوازدهم	بد، بدجور
گروه سیزدهم	دیوانه‌وار، خفن
گروه چهاردهم	به صورت وحشتناک، در حد انفجار
گروه پانزدهم	---
گروه شانزدهم	مثل سگ، مثل خر، در حد مرگ

چنان که مشخص است، عمده قیود تشدید زبان فارسی (در پیکره مورد مطالعه) به لحاظ منبع مفهومی و معنایی در گروه دوم جای می‌گیرند و بر معانی‌ای از قبیل: وسعت (Extension)، بزرگی (گندگی)، فراوانی و... دلالت دارند. با این وجود، بر اساس اطلاعات پیکره، زبان فارسی از برخی حوزه‌های واژگانی به منظور تشدید بهره نبرده است. در خصوص تشکیل قیود تشدید در زبان‌ها یک سری منابع معنایی دخیلند که به باور نگارنده و بر اساس داده‌ها این قیود از یک سری منابع معنایی خاص که ذکر آن رفت، نشئت می‌یابند.

۵) شیوه تکوین قیود تشدید در زبان فارسی

قیود تشدید جزو گروه کلمات نقشی در زبان هستند. همانگونه که ملاحظه شد، این قیود در زبان فارسی از یک منبع واژگانی نشئت یافته‌اند و مصداق بارز دستوری‌شدگی هستند. دستوری‌شدگی نیز فرآیندی است که به موجب آن اجزای واژگانی نقش دستوری کسب می‌کنند و یا کلمات دستوری، دستوری‌تر می‌شوند. مشخصه‌های دستوری‌شدگی بر اثر اعمال اصول دستوری‌شدگی ظاهر می‌گردند (Hopper & Traugott, 2003: 140). این اصول در زیر با مثال تعریف می‌شوند.

بر اساس اصل لایه‌بندی^{۳۵}، دو یا چند صورت برای بیان نقش دستوری واحدی به کار می‌روند. در زبان فارسی، شاهد وجود لایه‌های مختلفی از قیود تشدید هستیم که عمدتاً می‌توانند به جای هم نیز به کار روند. وجود لایه‌های تشدید مثل کاربرد «خیلی»، «بسیار»، «بی‌نهایت»، «شدیداً»، «در حد x» و ... به جای هم گواهی بر این ادعاست. طبق اصل واگرایی^{۳۶} یک صورت واحد دارای دو معنا/نقش متمایز می‌گردد. گاه هر دوی این نقش‌ها دستوری‌اند. غالب قیود تشدید فارسی (عجیب، فوق‌العاده، بد، فراوان، سخت، خیلی، بسیار و...) قید مشترک با صفت هستند و می‌توانند هم به عنوان صفت و هم به عنوان قید به کار روند.

– عجیب احساس دل‌تنگی می‌کنم (قید تشدید).

– این دوست تو هم آدم عجیبیه‌ها (صفت).

در خاص شدگی^{۳۷} جزء دستوری شده گزینشی‌تر عمل می‌کند و فقط در ساخت‌های خاصی به کار می‌رود؛ مثلاً در جمله «برادرم یه ماشین خریده؟»^{۳۸} به غایت گران/خیلی گرون/فوق‌العاده گرون/فراوان؟ گرون»، به لحاظ سبکی (زبانی-اجتماعی)، محدودیت‌هایی بر کاربرد قیود تشدید اعمال شده است؛ به گونه‌ای که برخی از قیود تشدید (مانند به غایت یا فراوان) به لحاظ کاربرد عجیب به نظر می‌رسند. پس قید تشدید مد نظر به لحاظ بافتی در ساخت‌های خاصی به کار می‌روند.

اصل ثبات^{۳۹} نشانگر آن است که رگه‌هایی از معناهای اولیه بعد از دستوری‌شدگی در صورت باقی می‌ماند و تا مدت‌ها قابل بازیابی است؛ در مثال «خیلی دوست دارم»، خیلی یک قید تشدید است و در عین حال نوعی معنای ضمنی کثرت و فراوانی را در بردارد که به معنی اولیه قید برمی‌گردد که به معنای گروه، ایل، طایفه و... بوده است (دهخدا، ذیل مدخل خیل).

بنا بر اصل مقوله‌زدایی^{۴۰}، مقوله صورت دستوری شده تغییر می‌کند؛ مثلاً در قید تشدید خیلی، مقوله اسم به قید تشدید بدل شده یا در مورد قید تشدید «بسیار»، مقوله‌زدایی از فعل به سوی قید را شاهدیم. شروو^{۴۱} (2009: 80) معتقد است این واحد زبانی (بسیار) در اصل بازمانده: wasai حالت مفعولی دری مفرد از wasa- ماده مضارع از ریشه فعلی was- واژگانی به معنای آرزوکردن در دوره باستان است و کلمه واژگانی به شمار می‌رود.

نتیجه

در زبان فارسی از امکانات وسیع قیود تشدید در توزیع‌های مختلف استفاده می‌شود. در بیان ساخت درونی و توزیع قیود تشدید در زبان فارسی ذکر کردیم که در این باره می‌توان تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای ارائه کرد و توزیع قیود تشدید عمدتاً در سه حوزه ساختارهای منصوب عربی، ساخت نحوی الگوی در حد x و ساختار واژگانی قرار می‌گیرند. در حوزه ساخت واژگانی هم می‌توان به تقسیم‌بندی سه‌گانه ساده، مرکب و پیشوندی دست یافت که قیود تشدید فارسی در این حوزه‌ها قرار می‌گیرند. در تشکیل قیود تشدید برخی حوزه‌های معنایی واژگانی دخیلند که منبع این قیود به شمار می‌روند. زبان

³⁵ Layering

³⁶ Divergence

³⁷ Specification

³⁸ در این مقاله علامت ؟ نشانه غیرعادی بودن جمله به لحاظ کاربرد است.

³⁹ Persistence

⁴⁰ Decategorization

⁴¹ Skjervø

فارسی نیز از بسیاری از این منابع معنایی به منظور تشدید‌گری بهره می‌برد اما گستره کاربرد برخی از منابع معنایی از قبیل «وسعت»، «بزرگی» و یا «فراوانی (کمیت)» در پیکره مورد بحث بیشتر بوده است. در مقابل، زبان فارسی از حوزه‌های واژگانی از قبیل سادگی، اشتیاق و وحشیگری در راستای تشدید بهره نبرده است. در نهایت باید اشاره کرد که قیود تشدید در زبان فارسی از منبعی واژگانی و از رهگذر دستوری‌شدگی وارد زبان می‌شوند.

تعارض منافع

طبق گفته نویسنده، پژوهش حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع

- خیامپور، عبدالرسول. (۱۳۳۳). دستور زبان فارسی. تهران: کتابفروشی تهران.
- داوری، شادی؛ گیونشویلی، هلن. (۱۳۹۲). «تثبیت ترتیب کلمه در زبان فارسی: معیار دستوری‌شدگی». مجموعه مقالات هم‌اندیشی زبان‌های ایرانی. ویراسته مهرداد نغزگوی کهن. تهران: انتشارات نویسه. صص: ۴۳-۶۳.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۵). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- شریعت، محمدجواد. (۱۳۷۰). دستور زبان فارسی. تهران: اساطیر.
- شفایی، احمد. (۱۳۶۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی. تهران: نوین.
- صادقی، علی‌اشرف؛ ارژنگ، غلامرضا. (۱۳۵۷). دستور زبان فارسی. کتاب درسی رشته فرهنگ و ادب. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- قریب، عبدالعظیم و همکاران. (۱۳۱۹). دستور زبان فارسی (پنج استاد). تهران: علمی.
- نغزگوی کهن، مهرداد. (۱۳۸۷). «چگونگی شناسایی موارد دستوری‌شدگی». پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. شماره ۲. صص: ۱۶۵-۱۴۹.
- نغزگوی کهن، مهرداد. (۱۳۹۰). «دستوری‌شدگی افعال حرکتی در زبان فارسی». مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی انجمن زبان و ادب فارسی. به کوشش قدسیه رضوانیان. تهران: خانه کتاب. صص: ۶۴۸-۶۵۳.

- Bolinger, D. (1972). Degree Words. The Hague and Paris: Mouton.
- Fries, C. (1940). American English Grammar. New York: Appleton Century Crofts.
- Heine, B & T. Kuteva. (2008). "World lexicon of grammaticalization." Cambridge: Cambridge University Press.
- Hopper, P. J. & E.C. Traugott. (2003). Grammaticalization. Second Edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lorenz, G. (2002). "Really worthwhile or not really significant?: a corpus-based approach to delexicalization and grammaticalization of intensifiers in Modern English". In New reflections on grammaticalization, I. Wisner, G. Diewald (eds.), 143-161, Amsterdam: John Benjamin.
- Méndez-Naya, B. (2003). "On Intensifiers and Grammaticalization: The Case of Swipe". English Studies 84/4: 372-391.
- Méndez-Naya, B. (2012) "Special issue on English intensifiers". English Language and Linguistics 12: 213-219. Cambridge: Cambridge University Press.
- Paradis, C. (2008). "Configurations, construal and change: Expressions of degree." English Language and Linguistics 12.2 317-343. Cambridge: Cambridge University Press.
- Partington, A. (1982). "Corpus Evidence of Language Change: The Case of Intensifiers." Eds. Mona Baker, Gill Francis, and Elena Tognini-Bonelli. Text and Technology: in Honor of John Sinclair. Amsterdam: Benjamins, 1993. 177-192.
- Poonlarp, T & Luksaneeyanawin, S. (2011). "The Semantic Domains of Intensification: A Cross-Language Perspective". The 23rd Annual Meeting of the Southeast Asian Linguistics Society. May 20-31.
- Quirk, R & et al. (1985). A comprehensive Grammar of the English Language. London: Longman, 1985.
- Skjærvø, P.O. (2009). "Middle West Iranian". In: The Iranian Languages, Gernot Windfuhr (Ed): Routledge.
- Spitzbardt, H. (1965). "Adverbs of Degree and Their Semantic Fields." Philologica Pragensia. 349-359.
- Stoffel, C. (1901). Intensifiers and Downtoners. Heidelberg: Carl Winter.
- Tagliamonte, S. (2008). "So Different and Pretty Cool! Recycling Intensifiers in Toronto, Canada", English Language and Linguistics 12.2: 361-394.
- Wischer, I. (2006). "Grammaticalization". Encyclopedia of language and linguistics. Keith Brown (ed) 2nd edn. Elsevier.
- Wittouck, H. (2010). A Corpus-Based Study on the Rise and Grammaticalisation of Intensifiers in British and American English. Master dissertation for the degree Master in English. Gent University.

References

- Bolinger, D. (1972). Degree Words. The Hague and Paris: Mouton.
- Davari, Sh. & H. Gionshvili. (2012). Tasbit-e tartib-e kaleme dar zaban-e Farsi: me'yar-e dastoorishodegi. Majmoo'e Maghalat-e Hamandishi-ye Zabanhaye Irani. Viraste-ye Mehrdad Naghzgooy Kohan. Tehran: Entesharat-e Nevise. Pp. 43-63.

- Dehkhoda, 'A.A. (1966). *Loghatnamey-e Dehkhoda*. Tehran: Daneshgah-e Tehran.
- Fries, C. (1940). *American English Grammar*. New York: Appleton Century Crofts.
- Gharib, 'A. & Hamkaran. (1940). *Dastoor-e Zaban-e Farsi (Panj Ostad)*. Tehran: 'Elmi.
- Heine, B & T. Kuteva. (2008). "World lexicon of grammaticalization." Cambridge: Cambridge University Press.
- Hopper, P. J. & E.C. Traugott. (2003). *Grammaticalization*. Second Edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Khayampoor, 'A. (1954). *Dastoor-e Zaban-e Farsi*. Tehran: Ketabforooshi-ye Tehran.
- Lorenz, G. (2002). Really worthwhile or not really significant?: a corpus-based approach to delexicalization and grammaticalization of intensifiers in Modern English. In *New reflections on grammaticalization*, I. Wisner, G. Diewald (eds.), 143-161, Amsterdam: John Benjamins.
- Méndez-Naya, B. (2003). "On Intensifiers and Grammaticalization: The Case of *Swipe*". *English Studies* 84/4: 372-391.
- Méndez-Naya, B. (2012) "Special issue on English intensifiers". *English Language and Linguistics* 12: 213–219. Cambridge: Cambridge University Press.
- Naghzgooy Kohan, M. (2007). *Chegoonegi-ye shenasayi-ye mavared-e dastoorishodegi*. *Pazhoohesh-haye Zaban va Adabiyat-e Tatbighi*. No. 2. Pp. 149-165.
- Naghzgooy Kohan, M. (2011). *dastoorishodegi-ye Af'al-e harakati dar zaban-e farsi*. *Majmoo'e Maghalat-e 6th Hamayesh-e Beynolmelali-ye Anjoman-e Zaban va Adab-e Farsi*. Be Kooshesh-e ghodsiye Rezvaniyan. Tehran: khane-ye kitab. Pp. 648-653
- Paradis, C. (2008). "Configurations, construal and change: Expressions of degree." *English Language and Linguistics* 12.2 317–343. Cambridge: Cambridge University Press.
- Partington, A. (1982). "Corpus Evidence of Language Change: The Case of Intensifiers." Eds. Mona Baker, Gill Francis, and Elena Tognini-Bonelli. *Text and Technology: in Honor of John Sinclair*. Amsterdam: Benjamins, 1993. 177-192.
- Poonlarp, T & Luksaneeyanawin, S.(2011). "The Semantic Domains of Intensification: A Cross-Language Perspective". The 23rd Annual Meeting of the Southeast Asian Linguistics Society . May 20-31.
- Quirk, R & et al. (1985). *A comprehensive Grammar of the English Language*. London: Longman.
- Sadeghi, 'A.A. & GH. Arzhang. (1978). *Dastoor-e Zaban-e Farsi*. *Ketab-e Darsi-ye Reshte-ye Farhang va Adab*. Tehran: Vezaret-e Amoozesh va Parvaresh.
- Shafayi, A. (1984). *Mabani-ye 'elmi-ye dastoor-e zaban-e farsi*. Tehran: Novin.
- Shari'at, M.J. (1991). *Dastoor-e Zaban-e Farsi*. Tehran: Asatir.
- Skjærvø, P.O. (2009). "Middle West Iranian". In: *The Iranian Languages*, Gernot Windfuhr (Ed): Routledge.
- Spitzbardt, H. (1965). "Adverbs of Degree and Their Semantic Fields." *Philologica Pragensia*. 349-359.
- Stoffel, C. (1901). *Intensifiers and Downtoners*. Heidelberg: Carl Winter.
- Tagliamonte, S. (2008) . "So Different and Pretty Cool! Recycling Intensifiers in Toronto, Canada", *English Language and Linguistics* 12.2: 361-394.
- Wisner, I. (2006). "Grammaticalization". *Encyclopedia of language and linguistics*. Keith Brown(ed) 2nd edn. Elsevier.
- Wittouck, H. (2010). *A Corpus-Based Study on the Rise and Grammaticalisation of Intensifiers in British and American English*. Master dissertation for the degree Master in English. Gent University.